

تحلیل و بازنویسی پیش‌نویس سیاست‌های کلی رفاه و تأمین اجتماعی

محسن کشاورز
حسین عرباسدی

چکیده

تحلیل و بررسی سیاست‌های کلی به جهت نقش راهبردی که در مدیریت کلان نظام حکمرانی ایفا می‌کند، امری لازم و ضرورتی غیرقابل انکار است. از سوی دیگر مسئله نظام رفاه و تأمین اجتماعی بدین دلیل که می‌تواند زمینه‌ساز توسعه عدالت و رفاه باشد، از درجه اهمیت بالایی برخوردار است.

هدف این پژوهش، تحلیل پیش‌نویس سیاست‌های کلی رفاه و تأمین اجتماعی و بازنویسی بندهای سیاستی ارائه شده است. بدین منظور با استفاده از روش تحلیل ساختاری - محتوایی به عنوان الگوی کلان تحلیل و نگارش سیاست‌های کلی، پیش‌نویس حاضر مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که عمده بندهای سیاستی ارائه شده نیازمند ویرایش‌های نگارشی قابل توجه است و به منظور افزایش قابلیت پیاده‌سازی و نظارت‌پذیری این سیاست‌ها بایستی در برخی از بندهای سیاستی، ویرایش‌های محتوایی قابل توجهی نیز اعمال نمود.

واژگان کلیدی

سیاست‌های کلی نظام، رفاه و تأمین اجتماعی، سیاست‌گذاری، تحلیل سیاست.

مقدمه

یکی از مهم‌ترین وظایف مجمع تشخیص مصلحت نظام ارائه مشاوره به مقام معظم رهبری در تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران است. طبق اصل ۱۱۰ قانون اساسی "تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران" پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام از وظایف رهبری شمرده شده است. در تعریف، سیاست‌های کلی، مجموعه‌ای هماهنگ از جهت‌گیری‌ها، اهداف مرحله‌ای و راهبردی کلان نظام در دوره‌های زمانی مشخص است که برای تحقق آرمان‌ها و اهداف قانون اساسی وضع شده است. این سیاست‌ها که حتی‌الامکان باید شاخص‌پذیر و قابل نظارت باشد، برای کلیه ارکان نظام الزام‌آور بوده و ناظر بر همه قوانین از جمله برنامه‌های توسعه و بودجه‌های سالیانه است و بایستی دارای ویژگی‌هایی چون پایداری، آینده‌نگری، واقعی بودن و فراگیری باشد. سیاست‌های کلی به جهت جایگاه کلیدی که در معماری نظام حکمرانی کشور دارد، نیازمند بررسی و مذاقه کارشناسی اهل فن است و صرفاً از رهگذر این امر است که می‌تواند به اتقان و استحکام رسیده و نقش راهبردی خود را در اداره کشور بدست آورد.

تأمین اجتماعی از مهم‌ترین مسائل جامعه امروز ماست که تحقق عدالت اجتماعی بدون توجه به آن میسر نخواهد بود و دولت‌ها به خوبی می‌دانند که بدون تحقق عدالت، نظم اجتماعی واقعی و مطلوب نیز تحقق نخواهد یافت. هر سیاستی که در تأمین اجتماعی اتخاذ شود، بنیان و اساس خود را جبران آثار زیان‌بار حوادث مختلفی می‌داند که وضعیت اقتصادی فرد را دگرگون می‌کند و سیاست‌گذاری‌ها در نظام حقوقی، اقتصادی و اجتماعی کشورها، بدون توجه به این مبانی، ره به جایی نخواهد برد (خالق پرست و دیگران، ۱۳۹۶، ص ۱۱). از این‌رو مسئله نظام تأمین اجتماعی هم از جهت کارکردهای عدالتخواهانه و هم از منظر امنیت نظام سیاسی به شدت قابل توجه بوده و ضرورت

پرداخت سیاست‌گذاران کلان به بهینه‌سازی و کارآمدسازی این نظام را گوشزد می‌نماید. هدف از تحقیق حاضر تحلیل پیش‌نویس سیاست‌های کلی رفاه و تأمین اجتماعی و بازنویسی این سیاست‌ها براساس الگوی هدف-راهبرد است. بر این اساس، پژوهش حاضر در چهار بخش اصلی سازماندهی شده است. در بخش اول، مرور مختصری بر تعاریف ارائه شده توسط دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام در زمینه سیاست‌های کلی صورت گرفته و مفاد اصلی یک سیاست کلی مطلوب استخراج می‌شود. در بخش دوم، روش مورد استفاده در این تحقیق معرفی شده و دلالت‌های آن برای تحلیل سیاست‌های کلی ارائه می‌شود. بخش سوم تحقیق نیز به شرح نتایج بدست آمده از تحلیل پیش‌نویس حاضر اختصاص یافته است. در بخش چهارم ضمن جمع‌بندی مطالب، نسخه بازنویسی شده پیش‌نویس سیاست‌های کلی رفاه و تأمین اجتماعی ارائه می‌شود.

مبانی نظری

سیاست‌گذاری از جمله دانش‌های بین‌رشته‌ای است که می‌توان ردپای آن را در علوم متعددی همانند مدیریت، علوم سیاسی و اقتصاد یافت. غرض و هدف اصلی این شاخه از دانش، ارائه چهارچوبی کلان برای حل مسائل متنوع جامعه است (خانمحمدی و اصلی پور، ۱۳۹۶، ص ۱۰۸). براساس تمامی مدل‌های ارائه شده در دانش سیاست‌گذاری عمومی، می‌توان چرخه اصلی سیاست‌گذاری را دارای چهار مرحله تعریف مسئله، تدوین سیاست، اجرا و ارزیابی پسینی خلاصه نمود (بابایی و توکلی، ۱۳۹۶، ص ۶۴). مرحله تدوین سیاست به عنوان نقطه تولد یک بسته سیاستی محسوب شده و غرض و هدف اصلی سیاست‌گذار و شیوه مدنظر وی برای حل مسئله و دستیابی به اهداف در این مرحله تصریح می‌شود. تدوین سیاست، فرایندی است که متن سیاستی از طریق تحلیل‌های فنی و مداخلات سیاسی تولید می‌شود (یزدانی، ۱۳۹۶، ص ۱۹۸).

سیاست‌گذاری عمومی به اقدامات دولتی اشاره دارد که در پی حل مشکلات و بهبود کیفیت زندگی شهروندان است. در سطح فدرال، سیاست‌های عمومی به منظور تنظیم‌گری صنعت و کسب‌وکار، محافظت از شهروندان در داخل و خارج، کمک به دولت‌های ایالتی و شهری و کمک به افراد فقیر از طریق طرح‌های مالی و دستیابی به اهداف اجتماعی اعمال می‌شوند (گرچی پور، ۱۳۹۵، ص ۱۹).

تأمین اجتماعی به عنوان محور کلیدی سیاست‌های اجتماعی، یکی از مهم‌ترین ابزارهای دولت‌ها برای مبارزه با فقر و رفع نابرابری‌ها در جامعه، ابتدا در کشورهای توسعه یافته ظهور و تکامل یافت، به سایر کشورهای جهان تسری پیدا کرد و سیر تکامل آن، متأثر از تغییرات اقتصادی و اجتماعی جهان، هنوز ادامه دارد. در سال ۱۸۸۱ و در زمان صدارت بیسمارک در آلمان، نخستین بار قانون بیمه‌های اجتماعی به تصویب رسید و چند سال بعد اولین نظام بیمه‌های اجتماعی در آلمان پایه‌گذاری شد و به سرعت به دیگر کشورهای صنعتی اروپا تسری پیدا کرد. تا اینکه در سال ۱۹۴۸ و در ماده ۲۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد این جمله گنجانده شد که همه افراد به عنوان عضو جامعه، حق برخورداری از تأمین اجتماعی را دارند و تأمین اجتماعی به عنوان یک حق بشری مطرح شد.

به دنبال این امر، به منظور پایداری جنبه بین‌المللی امور تأمین اجتماعی، نهادهای بین‌المللی تمهیداتی را در این زمینه اندیشیده و اجرا نمودند؛ برجسته‌ترین آنها سازمان ملل متحد، سازمان بین‌المللی کار و انجمن بین‌المللی تأمین اجتماعی بودند. در نهایت، اتخاذ خط‌مشی‌های تأمین اجتماعی در دیگر کشورهای در حال توسعه به عنوان بازاری برای رفع نابرابری‌های اجتماعی و همچنین مبارزه با فقر رایج شد. امروزه نظام تأمین اجتماعی در قریب به تمامی کشورهای دنیا من جمله جمهوری اسلامی ایران استقرار یافته است. سابقه تأمین اجتماعی در ایران به تصویب قانون استخدامی کشور در سال

۱۳۰۱ بازمی‌گردد که طی آن، نظامی برای بازنشستگی به وجود آمد و در طی این سال‌ها پس از تغییر و تحولات فراوان قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی در سال ۱۳۸۳ به تصویب شورای نگهبان رسید و براساس آن، سازمان تأمین اجتماعی به عنوان رکن اساسی نظام بیمه‌ای کشور همسو با خط مشی‌های کلان نظام جامع تأمین اجتماعی به ادامه فعالیت پرداخت. علی‌رغم تلاش‌های فراوان در زمینه پیاده‌سازی نظام جامع تأمین اجتماعی در ایران، اما هنوز در بسیاری از بخش‌های غیررسمی اقتصاد، شمار زیادی از افراد وجود دارند که از مزایای تأمین اجتماعی بی‌بهره یا کم‌بهره‌اند.

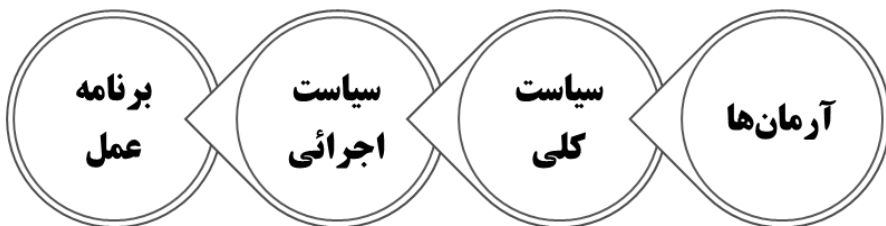
بر این اساس مسئله اصلی در نظام تأمین اجتماعی فعلی کشور این است که چگونه می‌توان این نظام را بهینه‌تر و کارآمدتر نمود تا هم دربرگیرنده اعضا باشد و هم برنامه‌های وسیع‌تر و متنوع‌تری را برای پاسخگویی به نیازهای جامعه اجرا نماید (امیری و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۱۰).

با توجه به این مهم، مجمع تشخیص مصلحت نظام جهت ارائه مشورت خدمت مقام معظم رهبری، پیش‌نویسی تحت عنوان سیاست‌های کلی رفاه و تأمین اجتماعی تنظیم نموده تا به عنوان سیاست‌های کلی و به عنوان چتری فراگیر بر کلیت نظام تأمین اجتماعی قرار گرفته و این بخش کلیدی و مهم را در فرایند تغییر و تحولات مورد نیاز، راهبری نماید.

تدوین سیاست‌های کلی به عنوان یکی از شقوق و سطوح سیاست‌گذاری عمومی در کشور به استناد اصل ۱۱۰ قانون اساسی، از وظایف رهبری نظام محسوب شده که پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام، ابلاغ می‌شود. این سیاست‌ها برای کلیه ارکان نظام الزام‌آور بوده و ناظر به همه قوانین از جمله برنامه‌های توسعه و بودجه‌های سالیانه است و دارای ویژگی‌ها و مشخصاتی از قبیل پایداری، آینده‌نگری، واقع‌بینی و فراگیر بودن است (جولایی و دیگران، ۱۳۹۷، ص ۳۰).

سیاست‌های کلی برای تحقق آرمان‌ها و اهداف پس از مجموعه آرمان‌ها قرار می‌گیرند و حاوی اصولی هستند که آرمان‌ها را به مفاهیم اجرایی نزدیک می‌کنند. سیاست‌های کلی به دو دسته بخشی و فرابخشی تقسیم می‌شود. سیاست‌های کلی فرابخشی در مواردی است که هدف یا آرمانی از نظام، حرکت چند بخش را دربرمی‌گیرد و برای وصول به آن هدف یا اهداف، نیاز به تدوین سیاست‌های کلی است و سیاست‌های اجرایی و برنامه چند بخش در قالب این سیاست‌ها تدوین می‌شود. سیاست‌های کلی بخشی، در مواردی است که هدف یا آرمانی از نظام، حرکت یک بخش را دربرمی‌گیرد و برای وصول به آن هدف یا اهداف نیازمند تدوین سیاست‌های کلی آن بخش است. مجموعه تدبیرها و سیاست‌هایی که برای تحقق سیاست‌های کلی توسط قوای مختلف کشور و دستگاه‌های اجرایی به موجب و براساس مقررات قانونی تدوین می‌شوند، سیاست‌های اجرایی نامیده می‌شوند. برنامه نیز، طراحی عملی و وجه اجرای سیاست‌های اجرایی برای دوره مشخصی محسوب می‌شود (رضائی، ۱۳۹۵، ص ۲۴).

براساس تعریف ارائه شده از سیاست‌های کلی می‌توان ارتباط میان سیاست‌های کلی با آرمان‌ها و اهداف، سیاست‌های اجرایی و برنامه‌ها را به صورت زیر در نظر گرفت. با این رویکرد، کارکرد اصلی سیاست‌های کلی ارائه اصولی است که بتواند آرمان و اهداف را به مفاهیم اجرایی نزدیک سازد.



براساس این تعریف، سیاست‌های کلی بایستی مستخرج از آرمان‌ها و اهداف بوده و به‌گونه‌ای نگارش شوند که مجریان و بهره‌برداران سیاست با رجوع به آن بتوانند سیاست‌های اجرایی و برنامه‌های عمل را استخراج نمایند. با این رویکرد، سیاست کلی از یک سو بایستی دربرگیرنده اصول مشخص و روشن در زمینه چگونگی رسیدن به هدف بوده و از سوی دیگر محتوای سیاست به گونه‌ای نگارش شود که بتواند آرمان‌ها را به حوزه مفاهیم اجرایی و قابل فهم برای مدیران و کارشناسان ترجمه نماید.

همچنین می‌توان این امر را نیز مورد توجه قرار داد که سیاست کلی بایستی دارای هدف صریح و شفاف باشد به این معنا که سیاست‌گذار بایستی سیاست کلی را به گونه‌ای نگارش نماید که بهره‌برداران سیاست، مراد اصلی واضح سیاست کلی را به وضوح ادراک نمایند. بر این اساس می‌توان ویژگی‌های اصلی یک سیاست کلی مطلوب را در دو بخش ویژگی‌های ساختاری و محتوایی دسته‌بندی نمود.

از لحاظ ساختاری، یک بند سیاست کلی هم بایستی دارای هدف یا اهداف مصرح و شفاف بوده و هم از اصول معینی که می‌تواند چگونگی دستیابی به اهداف را ترسیم سازد، برخوردار باشد. از لحاظ محتوایی، سیاست کلی مطلوب بایستی به گونه‌ای نگارش شود که محتوای سیاست، برای کارشناسان و مدیران اجرایی قابل فهم بوده و بتوانند براساس آن، سیاست‌های اجرایی و در ادامه، برنامه‌های عملیاتی را تنظیم نمایند.

روش تحقیق

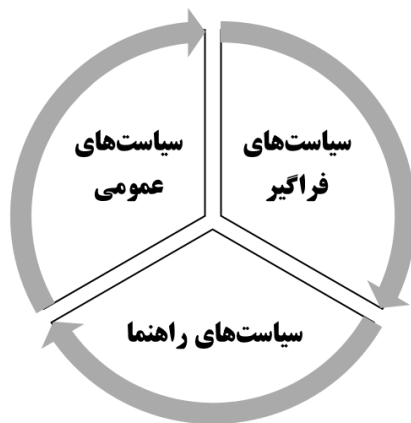
به منظور تحلیل و بازنویسی سیاست‌های پیشنهادی رفاه و تأمین اجتماعی، از چهارچوب‌های مفهومی تحت عنوان الگوی ساختاری-محتوایی تحلیل و نگارش سیاست‌های کلی استفاده شده است. این چهارچوب مفهومی دارای هفت زیر الگوست که منطبق اصلی در تحلیل بندها و کلیت بسته سیاستی را تبیین می‌نماید. یکی از الگوهای

اصلی در این تحلیل، گونه‌شناسی محتوایی بندهای سیاستی است.

در یک تقسیم‌بندی، سیاست‌ها یا خط‌مشی‌ها به سه نوع سیاست‌های فراگیر (ابرسیاست یا ابرخط‌مشی)، سیاست‌های هادی (راهنما) و سیاست‌های عمومی تقسیم می‌شود. سیاست فراگیر از دو حوزه دیگر کلی‌تر است و عموم حوزه‌های قانون‌گذاری را شامل می‌شود همچنین ابرسیاست‌ها جهت و چگونگی سیاست‌گذاری خط‌مشی‌های هادی را مشخص می‌نماید. خط‌مشی فراگیر یا ابرخط‌مشی، جنبه فراگیرتری نسبت به دیگر خط‌مشی‌ها داشته و از همه کلی‌تر است. خط‌مشی‌های فراگیر حاوی پیش‌فرض‌ها، معیارها، الگوها و رهنمودهایی است که خط‌مشی‌های عمومی باید از آن تبعیت کند.

خط‌مشی فراگیر آئینه تمام‌نمایی از ایدئولوژی، ارزش‌ها، شرایط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در یک جامعه خاص هستند. سیاست‌های هادی با دیدی کلان نسبت به مسائل و مشکلات، چهارچوبی مفید را برای تهیه و تنظیم سیاست‌های عمومی کشور فراهم می‌سازد. سیاست‌های هادی معمولاً نقشه راه مشترک میان چند سازمان یا نهاد عمومی را تبیین می‌کند.

در این نوع خط‌مشی، نحوه خط‌مشی‌گذاری از نظر امکانات فنی و تکنیکی و سایر عوامل موثر نیز بررسی و تشریح می‌شود. به کمک خط‌مشی‌های راهنما می‌توان شیوه‌های مناسب خط‌مشی‌گذاری را در وضعیت‌های مختلف شناسایی و از خطا و مخاطراتی که در سر راه خط‌مشی‌گذار وجود دارد، خود را در امان داشت. سیاست‌های عمومی نیز بیانگر چگونگی عملیات و فعالیت‌های سازمان عمومی در راستای برطرف کردن مشکلات و مسائل جامعه است (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۸۸، ص ۹).



نمایه ۲: گونه‌شناسی سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران

مبثنی بر این الگو، هر بند سیاستی ارائه شده را می‌توان به اعتبار محتوای ارائه شده در آن، در یکی از این سه دسته سیاست جای داد؛ به گونه‌ای که اگر جنبه‌های ارزشی و ایدئولوژیک در متن بند سیاستی مورد توجه قرار گرفته باشد، سیاست کلی را از نوع فراگیر، در صورتی که محتوای ارائه شده یک الگو و چهارچوب مفهومی را برای تحقق یک سری از مطلوب‌ها تصویر کرده باشد، سیاست راهنما و در صورتی که سیاست کلی حاوی مفاهیم عملیاتی و میدانی باشد، سیاست کلی را از نوع عمومی دانست.

چهارچوب مفهومی دیگر، الگوی نگارش یک بند سیاستی است. براساس این مبانی نظری ارائه شده، سیاست‌های کلی بایستی بیانگر هدف و راهبرد مشخص و قابل استخراج باشد. در این رویکرد، هدف اصلی سیاست‌گذار از وضع سیاست، تحقق هدفی است که وقوع آن را مطلوب می‌داند. لذا یک بند سیاستی بایستی از جزیی تحت عنوان هدف سیاستی برخوردار باشد تا مراد سیاست‌گذار را برای بهره‌برداران سیاست شفاف نماید. اما از آنجایی که هر نظام سیاسی برای تحقق اهداف خود، راهبردهایی را به عنوان مسیر تحقق اهداف مورد توجه قرار می‌دهد، سیاست‌گذار بایستی علاوه بر ذکر اهداف،

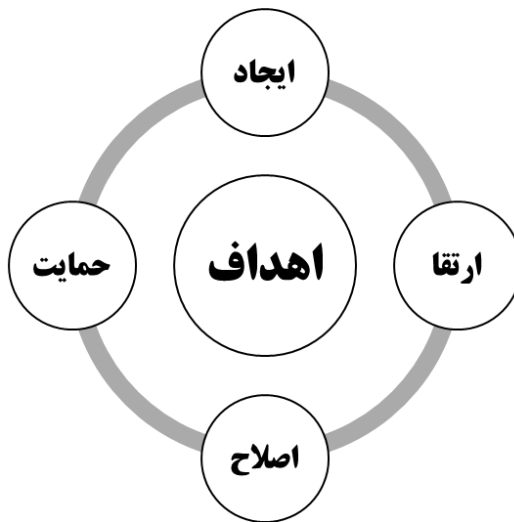
راهبردهای تحقق آن را نیز در متن سیاست تصریح نماید، تا بهره‌برداری از محتوای سیاست با حداقل تفسیر یا اعوجاج همراه باشد. بر این اساس، وجود جزیی تحت عنوان راهبرد نیز در متن گزاره سیاستی ضروری به نظر می‌رسد.



نمایه ۳: ساختار پیشنهادی نگارش یک سیاست کلی

براساس این الگوی تحلیلی، هر بند سیاستی بایستی دارای هدف و راهبرد باشد. وجود هدف، تمرکز اصلی نظام حکمرانی را بر نقطه‌ای مشخص تعیین کرده و وجود راهبرد، مسیر دستیابی به هدف را روشن خواهد نمود.

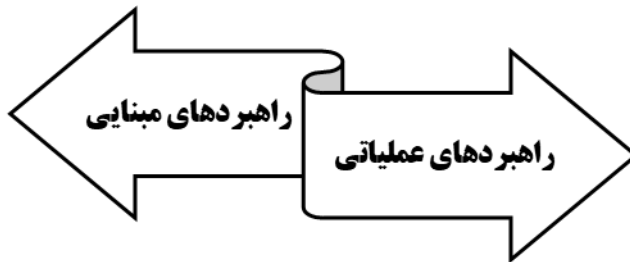
پس از تجزیه هر بند سیاستی به دو جز هدف و راهبرد، می‌توان با تجمیع اهداف بدست آمده از سیاست‌های کلی، به بررسی ویژگی‌ها و مختصات اهداف مدنظر سیاست‌گذار پرداخت. برای این امر، می‌توان اهداف سیاست‌های کلی را در چهار دسته ایجاد، حمایت، اصلاح و ارتقا جای داد. اهداف اصلاحی آن دسته از اهداف هستند که به دنبال بهبود برخی معایب در نظام حکمرانی موجود هستند و بدون ایجاد تحول بنیادین در آنها، می‌خواهند جنبه‌های معیوب آن را ترمیم کنند. اهداف ایجاد، اهدافی‌اند که به‌وجود آوردن پدیده‌ای را در دستورکار خود قرار داده و می‌خواهند عنصر جدیدی را در نظام حکمرانی خلق نمایند.



نمایه ۴: ایجاد اصلی هدف‌گذاری در سیاست‌های کلی نظام

اهداف حمایتی نیز اهدافی هستند که می‌خواهند یکی از جنبه‌های موجود در نظام حکمرانی را مورد پشتیبانی قرار داده و توجه به آن را در ذهن برنامه‌ریزان و مجریان پررنگ نماید. بالاخره اهداف ارتقایی نیز آن دسته از اهداف هستند که ایجاد تحول و رشد در یکی از متغیرهای موجود نظام حکمرانی را دنبال می‌کنند.

برای تحلیل راهبردهای سیاستی نیز از تفکیک راهبردهای مبنایی و عملیاتی استفاده شده است. راهبردهای مبنایی به آن دسته از مسیرهای رسیدن به هدف اطلاق می‌شود که مُجمل بوده و برای عملیاتی شدن و کاربست در میدان عمل، نیازمند تفصیل و تشریح بیشتر و استخراج دلالت‌های اجرایی هستند. این دسته از راهبردها بیانگر خطوط بسیار کلان تحقق اهداف بوده که نیازمند بسط بیشتر است و مجریان بایستی به اتکا آنان، راهبردهای خردتر و عملیاتی‌تر را استخراج نمایند. اما راهبردهای عملیاتی، راهبردهایی هستند که ناظر به یک یا چند راهکار شفاف و عینی بوده که به فضای اجرا و پیاده‌سازی بسیار نزدیک است. این راهبردها قرابت بالایی با فضای اجرایی داشته و مفاهیم و جهت‌گیری‌های مندرج در آنها، به زبان سیاستمدار و فهم بدنه اجرایی بسیار نزدیک است.

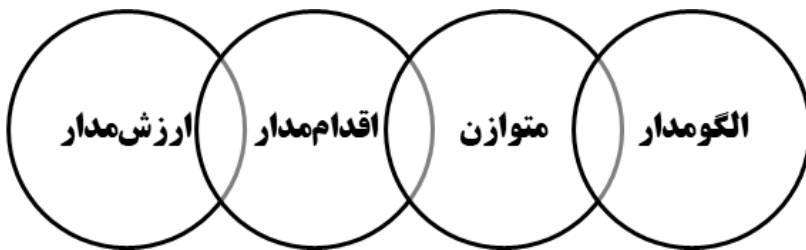


نمایه ۵: انواع راهبردهای مندرج در سیاست‌های کلی نظام

ذکر این نکته ضروری است که راهبردهای مبنایی و عملیاتی دو سر یک طیف محسوب شده و هر راهبرد سیاستی به یکی از این دو سر نزدیک بوده اما الزاما منطبق بر یک سر طیف نخواهد بود. بر این اساس، در دسته‌بندی راهبردها با توجه به میزان غلبه هر کدام از این دو سر طیف، راهبرد سیاستی به دو بخش راهبرد عملیاتی یا مبنایی تفکیک شده است.

به منظور تحلیل و استخراج جهت‌گیری‌ها در هریک از بسته‌های سیاستی، بر پایه غلبه فراوانی هریک از گونه‌های سیاستی، طبقه‌بندی از انواع بسته‌ها بر پایه چهار مفهوم بسته‌های سیاستی ارزش‌مدار، الگومدار، اقدام‌مدار و متوازن شکل گرفته است. به آن دسته از بسته‌های سیاستی که بیش از ۵۰٪ از بندهای سیاستی آنها متمرکز بر سیاست‌های فراگیر باشد، بسته‌های سیاستی ارزش‌مدار اطلاق می‌شود.

این دسته از سیاست‌های کلی، بیش از هر چیز به دنبال ترسیم ارزش‌ها و باید و نبایدهای مرتبط با موضوع سیاست هستند. آن دسته از بسته‌های سیاستی که بیش از ۵۰٪ از بندهای سیاستی آن متمرکز بر سیاست‌های راهنما باشد، بسته‌های سیاستی الگومدار نامیده می‌شود. این دسته از سیاست‌های کلی نیز تلاش دارند تا الگویی جهت‌دهنده برای دستیابی به اهداف ارائه دهند.

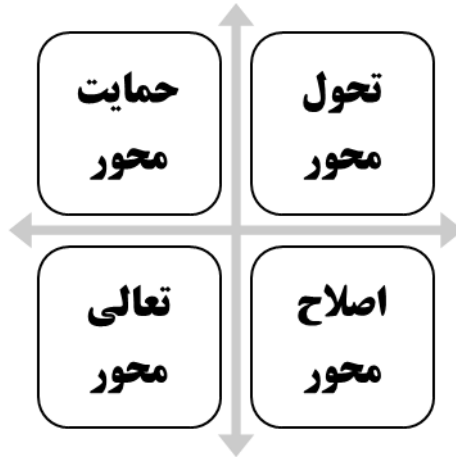


نمایه ۶: انواع بسته‌های سیاست کلی بر پایه فراوانی گونه‌های سیاستی

دسته‌ای دیگر از بسته‌های سیاستی که بیش از ۵۰٪ از بندهای سیاستی آن متمرکز بر سیاست‌های عمومی است را بسته‌های سیاستی اقدام‌مدار در نظر می‌گیریم. این دسته از سیاست‌های کلی هم متمرکز بر ارائه اقدامات موثر برای دستیابی به اهداف هستند. در نهایت می‌توان بسته‌های سیاستی را که توزیع گونه‌های سه‌گانه سیاست در آنها نزدیک و دارای تفاوت‌هایی حداکثر در حد ۲۰٪ باشد را بسته‌های سیاستی متوازن نامید. این دسته از سیاست‌های کلی، علاوه بر ارزش‌های مرتبط با موضوع، به دنبال ارائه الگویی جهت‌دهنده برای حل مسئله آن حوزه و ارائه اقدامات کلیدی برای دستیابی به اهداف هستند.

همچنین می‌توان بر پایه غلبه فراوانی هریک از اهداف سیاستی، طبقه‌بندی از انواع بسته‌ها بر پایه چهار مفهوم بسته‌های سیاستی تحول‌محور، حمایت‌محور، اصلاح‌محور و تعالی‌محور در نظر گرفت. آن دسته از بسته‌های سیاستی که بیش از ۵۰٪ از بندهای آن دارای اهداف ایجادی است، بسته‌های سیاستی تحول‌محور نامیده می‌شود. بسته‌های سیاستی که بیش از ۵۰٪ از بندهای سیاستی آن دارای اهداف حمایتی است را بسته‌های سیاستی حمایت‌محور در نظر گرفته و به آن دسته از بسته‌های سیاستی که بیش از ۵۰٪ از بندهای سیاستی آن دارای اهداف اصلاحی است، بسته‌های سیاستی اصلاح‌محور اطلاق می‌شود. در نهایت نیز آن دسته از بسته‌های سیاستی که بیش از ۵۰٪ از بندهای سیاستی

آن دارای اهداف ارتقایی است، در طبقه بسته‌های سیاستی تعالی محور جای می‌گیرد.



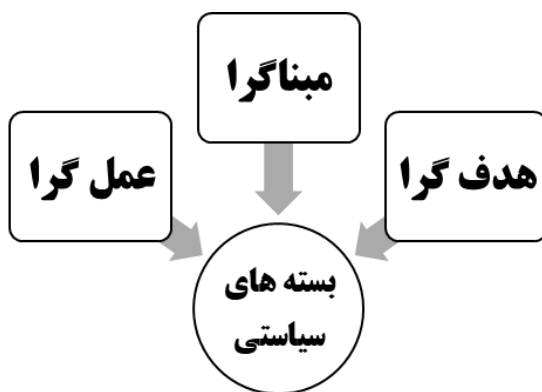
نمایه ۷: انواع بسته‌های سیاست کلی بر پایه فراوانی اهداف سیاستی

می‌توان بر پایه غلبه فراوانی هر یک از راهبردهای سیاستی - البته در صورت وجود جزء راهبرد در متن سیاست - طبقه‌بندی از انواع بسته‌ها بر پایه سه مفهوم بسته‌های سیاستی هدف‌گرا، مبنی‌گرا و عمل‌گرا نیز تعریف نمود. آن دسته از بسته‌های سیاستی که بیش از ۵۰٪ از بندهای سیاستی آن فاقد راهبرد تصریحی است، بسته‌های سیاستی هدف‌گرا می‌نامیم.

این دسته از بسته‌ها، عمده تلاش خود را بر ارائه نقاط مطلوب و ایده‌آل متمرکز کرده و در زمینه طریقه رسیدن به اهداف، به حداقل‌ها اکتفا نموده است. به آن دسته از بسته‌های سیاستی که بیش از ۵۰٪ از بندهای سیاستی آن دارای راهبردهای مبنایی است، بسته‌های سیاستی مبنی‌گرا اطلاق می‌شود.

این دسته از بسته‌های سیاستی، به دنبال ارائه راهبردهای کلان برای دستیابی به اهداف است و تولید راهبردهای عملیاتی و اجرایی را برعهده مجریان سیاست قرار داده است.

همچنین آن دسته از بسته‌های سیاستی که بیش از ۵۰٪ از بندهای آن دارای راهبردهای عملیاتی است، بسته‌های سیاستی عمل‌گرا نامیده می‌شود. این دسته از بسته‌های سیاستی، علاوه بر ارائه اهداف، بر تصریح راهبردهای عملیاتی تأکید داشته و مجریان سیاست را در جهت پیاده‌سازی اهداف، به راهبردهای خاصی سوق داده است.



نمایه ۸: انواع بسته‌های سیاست کلی بر پایه فراوانی راهبردهای سیاستی

یافته‌های تحقیق

براساس الگوهای ارائه شده در زمینه تحلیل و بررسی سیاست‌های کلی، می‌توان هر یک از بندهای سیاستی مندرج در پیش‌نویس سیاست‌های کلی رفاه و تأمین اجتماعی را به صورت زیر تحلیل کرده و بازنویسی نمود. بدین منظور، برای هر یک از بندهای سیاستی مدنظر، در جدولی منحصر به فرد علاوه بر ذکر پیش‌نویس ارائه شده، تفکیکی از جزء هدف و راهبرد ارائه شده و علاوه بر تعیین گونه سیاستی، نوع هدف و نوع راهبرد موجود در آن نیز معرفی شده است.

در نهایت نیز با تکیه بر محتوای موجود در هر بند سیاستی و با در نظر گرفتن این امر که هر بند، بایستی به گونه‌ای نگارش شود که با نشانه‌های زبانی قابلیت استخراج هدف و راهبرد را محقق نماید، عبارت بازنویسی شده هر بند سیاستی ارائه شده است.

در بند اول از سیاست‌های کلی رفاه و تأمین اجتماعی، جزیی تحت عنوان راهبرد از فحوای سیاست ارائه شده قابل استخراج نیست. همچنین، ویژگی‌های ارائه شده در زمینه نظام مطلوب تأمین اجتماعی همانند یکارچگی، شفافیت، کارآمدی، استقلال، فراگیری و چندلایه‌گی موید این نکته است که سیاست‌گذار، چهارچوبی کلان برای ساخت و پیاده‌سازی نظام تأمین اجتماعی بیان کرده و از این‌رو می‌توان این بند سیاستی را به عنوان سیاست راهنما در نظر گرفت. از آنجایی که سیاست‌گذار از لفظ "استقرار" استفاده نموده، می‌توان استنباط نمود که هدف مدنظر از نوع اهداف ایجاد است. به جهت عدم وجود جزء راهبرد در سیاست ارائه شده، نمی‌توان پاسخی به نوع‌شناسی راهبرد سیاستی ارائه داد. برای بازنویسی بند سیاستی مطابق با الگوی هدف- راهبرد، با توجه به اینکه ایجاد یک نظام رفاه و تأمین اجتماعی خود سازوکاری برای تحقق رفاه و رفع فقر و محرومیت است، لذا در متن بازنویسی شده، مطابق با محتوای ارائه شده در صدر پیش‌نویس مربوطه، "ایجاد رفاه عمومی و برطرف ساختن فقر و محرومیت" به عنوان هدف و استقرار نظام جامع تأمین اجتماعی به عنوان راهبرد، قرار داده شده است.

جدول ۱: تحلیل بند اول پیش‌نویس سیاست‌های کلی رفاه و تأمین اجتماعی

سیاست شماره ۱:		
استقرار نظام جامع تأمین اجتماعی به صورت یکپارچه، شفاف، کارآمد، مستقل، فراگیر و چندلایه.		
راهبرد	هدف	
-	استقرار نظام جامع تأمین اجتماعی به صورت یکپارچه، شفاف، کارآمد، مستقل، فراگیر و چندلایه.	
نوع راهبرد	نوع هدف	گونه‌شناسی سیاست
-	ایجاد	سیاست راهنما
سیاست پیشنهادی جایگزین:		
ایجاد رفاه عمومی و برطرف ساختن فقر و محرومیت از طریق استقرار نظام جامع تأمین اجتماعی با ویژگی‌های یکپارچگی، شفافیت، کارآمدی، استقلال، فراگیری و چندلایه‌گی.		

براساس محتوای بند سیاستی دوم، می‌توان براساس واژه "به منظور" قبل و بعد محتوای سیاست را به دو جزء هدف و راهبرد تفکیک نمود. همانطور که در جدول شماره ۲ دیده می‌شود، می‌توان بخش "ایجاد یک سازوکار مستقل، تخصصی و فرابخشی" را به عنوان راهبرد و بقیه بند سیاستی را به عنوان هدف در نظر گرفت.

براساس محتوای ارائه شده در این بند و با توجه به اینکه عمده محتوای ارائه شده در بخش هدف و راهبرد، امورات کلی و پوشش دهنده عمل و اجراست و بهره‌بردار سیاست بایستی دلالت‌های اجرایی این هدف و راهبرد را تفصیل دهد، می‌توان گونه این بند سیاستی را از سنخ راهنما دانست. محتوای مندرج در بخش هدف بیانگر این امر است که سیاست‌گذار می‌خواهد وضعیت جدیدی را در حوزه رفاه و تأمین اجتماعی مهیا سازد؛ به گونه‌ای که عناصر و اجزایی که تا پیش از این در نظام رفاه و تأمین اجتماعی کشور حضور نداشته همانند "لایه‌بندی و سطح‌بندی خدمات"، "شکل‌دهی سامانه" و "اعمال نظارت راهبردی" را محقق سازد.

بر این اساس، می‌توان نوع هدف این بند سیاستی را ایجاد دانست. با توجه به اینکه محتوای مندرج در راهبردها بیانگر شاخص‌های کلان سازوکار مناسب برای پیاده‌سازی اهداف است، لذا می‌توان نوع راهبرد مندرج در این سیاست را مبنایی دانست. به منظور استانداردسازی بند سیاستی و همسان‌سازی شکلی آن با سایر بندها، محتوای سیاست ابتدا با رجوع به هدف و سپس با توجه به راهبرد مدنظر سیاست‌گذار، بازنویسی شده است.

جدول ۲: تحلیل بند دوم پیش‌نویس سیاست‌های کلی رفاه و تأمین اجتماعی

سیاست شماره ۲:

ایجاد یک سازوکار مستقل، تخصصی و فرابخشی به منظور حفظ انتظام و انسجام امور، لایه بندی و سطح بندی خدمات، ایجاد وحدت رویه، اعمال نظارت راهبردی و عالییه در مراحل تکوین و فعالیت سازمان‌ها، صندوق‌ها و نهادهای فعال در قلمروهای امدادی، حمایتی و بیمه‌ای و شکل‌دهی سامانه، پایگاه اطلاعات، شناسنامه الکترونیک و پنجره واحد خدمات رفاه و تأمین اجتماعی.

راهبرد		هدف
ایجاد یک سازوکار مستقل، تخصصی و فرابخشی		حفظ انتظام و انسجام امور، لایه بندی و سطح بندی خدمات، ایجاد وحدت رویه، اعمال نظارت راهبردی و عالییه در مراحل تکوین و فعالیت سازمان ها، صندوق ها و نهادهای فعال در قلمروهای امدادی، حمایتی و بیمه‌ای و شکل دهی سامانه، پایگاه اطلاعات، شناسنامه الکترونیک و پنجره واحد خدمات رفاه و تأمین اجتماعی.
نوع راهبرد	نوع هدف	گونه‌شناسی سیاست
مبنایی	ایجاد	سیاست راهنما
سیاست پیشنهادی جایگزین:		
ایجاد یک سازوکار مستقل، تخصصی و فرابخشی به منظور حفظ انتظام و انسجام امور، لایه بندی و سطح بندی خدمات، ایجاد وحدت رویه، اعمال نظارت راهبردی و عالییه در مراحل تکوین و فعالیت سازمان ها، صندوق ها و نهادهای فعال در قلمروهای امدادی، حمایتی و بیمه‌ای و شکل دهی سامانه، پایگاه اطلاعات، شناسنامه الکترونیک و پنجره واحد خدمات رفاه و تأمین اجتماعی از طریق ایجاد یک سازوکار مستقل، تخصصی و فرابخشی.		

با توجه به محتوای ارائه شده در بند سیاستی سوم، نمی‌توان از واژگان مندرج در سیاست، راهبرد مدنظر سیاست‌گذاران را استخراج نمود. به بیان دیگر، بند سیاستی سوم با توجه به شیوه نگارش، صرفاً به عنوان یک هدف سیاستی که با دسته‌ای از اهداف خرد و کلان معرفی شده قابل شناسایی است. براساس محتوای این بند، سیاست کلی شماره سه به عنوان یک سیاست راهنما قابل دسته‌بندی است؛ چرا که برای پیاده‌سازی اهدافی چون "تأمین منابع پایدار" یا "رعایت تعادل بین منابع و مصارف"، مجری سیاست باید محتوای عملیاتی‌تری را تنظیم نماید. از آنجایی که مسئله پایبندی به عدالت و رفاه بین نسلی در این بند سیاستی مورد توجه سیاست‌گذار قرار گرفته است، می‌توان نوع هدف را حمایتی در نظر گرفت. به جهت عدم امکان استخراج راهبرد از متن بند سیاستی نمی‌توان نوع راهبرد را بیان نمود. به منظور بازنویسی این بند می‌توان "پایبندی به حقوق و رعایت تعهدات بین نسلی با تأکید بر امانتداری، امنیت، سودآوری، شفافیت و پاسخگویی" را به

عنوان هدف و محتوای باقیمانده را به عنوان راهبرد دستیابی به هدف معرفی نمود.

جدول ۳: تحلیل بند سوم پیش‌نویس سیاست‌های کلی رفاه و تأمین اجتماعی

سیاست شماره ۳:		
پایبندی به حقوق و رعایت تعهدات بین نسلی و عدم تحمیل طرح‌های فاقد تضمین مالی بین نسلی و تعهدی، تأمین منابع پایدار، رعایت محاسبات بیمه‌ای و تعادل بین منابع و مصارف و حفظ و ارتقای ارزش ذخایر سازمان‌ها و صندوق‌های بیمه‌گر اجتماعی به عنوان اموال عمومی و مردم با تأکید بر امانت‌داری، امنیت، سودآوری، شفافیت و پاسخگویی.		
هدف	راهبرد	
پایبندی به حقوق و رعایت تعهدات بین نسلی و عدم تحمیل طرح‌های فاقد تضمین مالی بین نسلی و تعهدی، تأمین منابع پایدار، رعایت محاسبات بیمه‌ای و تعادل بین منابع و مصارف و حفظ و ارتقای ارزش ذخایر سازمان‌ها و صندوق‌های بیمه‌گر اجتماعی به عنوان اموال عمومی و مردم با تأکید بر امانت‌داری، امنیت، سودآوری، شفافیت و پاسخگویی.	-	
گونه‌شناسی سیاست	نوع هدف	نوع راهبرد
سیاست راهنما	حمایتی	-
سیاست پیشنهادی جایگزین:		
پایبندی به حقوق و رعایت تعهدات بین نسلی با تأکید بر امانت‌داری، امنیت، سودآوری، شفافیت و پاسخگویی از طریق عدم تحمیل طرح‌های فاقد تضمین مالی بین نسلی و تعهدی، تأمین منابع پایدار، رعایت محاسبات بیمه‌ای و تعادل بین منابع و مصارف و حفظ و ارتقای ارزش ذخایر سازمان‌ها و صندوق‌های بیمه‌گر اجتماعی به عنوان اموال عمومی و مردم.		

براساس محتوای مندرج در سیاست پنجم می‌توان "اصلاح قوانین، ساختارها و تشکیلات صندوق‌ها و بیمه‌های اجتماعی" را به عنوان راهبرد و به اتکای لفظ "در جهت"، باقیمانده محتوای سیاست را به عنوان هدف در نظر گرفت. بر این اساس و با توجه به اینکه محتوای سیاست تمرکز بر عرصه‌های اجرایی داشته، می‌توان گونه سیاست را از نوع عمومی و به جهت اینکه به دنبال جلوگیری از بروز مسائل و مشکلات در انباشت بدهی‌ها است، هدف را از نوع اصلاحی دانست. به جهت تمرکز راهبرد بر قوانین، ساختارها و تشکیلات صندوق، می‌توان راهبرد سیاستی را از نوع اجرایی در نظر گرفت. در

بازنویسی این بند سیاستی به جهت اینکه پیش‌نویس ارائه شده تا حد زیادی مطلوب بوده است، صرفاً به جهت همسان‌سازی شکلی، ابتدا جزو هدف و سپس جزو راهبرد معرفی شده است.

جدول ۴: تحلیل بند چهارم پیش‌نویس سیاست‌های کلی رفاه و تأمین اجتماعی

سیاست شماره ۴:		
اصلاح قوانین، ساختارها و تشکیلات صندوق‌ها و بیمه‌های اجتماعی در جهت تأمین عدالت، یکسان‌سازی قوانین و مقررات بیمه‌ای، جلوگیری از ایجاد و افزایش انباشت بدهی‌های دولت به سازمان‌ها و صندوق‌های بیمه‌گر اجتماعی و تفکیک منابع سلامت از بازنشستگی.		
هدف	راهبرد	
تأمین عدالت، یکسان‌سازی قوانین و مقررات بیمه‌ای، جلوگیری از ایجاد و افزایش انباشت بدهی‌های دولت به سازمان‌ها و صندوق‌های بیمه‌گر اجتماعی و تفکیک منابع سلامت از بازنشستگی.	اصلاح قوانین، ساختارها و تشکیلات صندوق‌ها و بیمه‌های اجتماعی	
گونه‌شناسی سیاست	نوع هدف	نوع راهبرد
سیاست عمومی	اصلاحی	اجرایی
سیاست پیشنهادی جایگزین:		
تأمین عدالت، یکسان‌سازی قوانین و مقررات بیمه‌ای، جلوگیری از ایجاد و افزایش انباشت بدهی‌های دولت به سازمان‌ها و صندوق‌های بیمه‌گر اجتماعی و تفکیک منابع سلامت از بازنشستگی از طریق اصلاح قوانین، ساختارها و تشکیلات صندوق‌ها و بیمه‌های اجتماعی.		

در بند پنجم از پیش‌نویس سیاست‌های رفاه و تأمین اجتماعی، مسئله اصلی سیاست‌گذار تعریف منابع اختصاصی برای ارائه هر یک از خدمات تأمین اجتماعی است. براساس محتوای ارائه شده می‌توان "لایه‌بندی امور امدادی، حمایتی و بیمه‌ای (سطوح پایه و تکمیلی) و تأمین منابع مربوط به هر یک با رویکرد فعال دولت" را به عنوان هدف و باقیمانده محتوا را به عنوان راهبرد در نظر گرفت.

با توجه به اینکه مفاهیم عملیاتی و ناظر به اجرا همانند "امور حمایتی از محل منابع عمومی دولت و مشارکت مردم و خیرین" مورد توجه قرار گرفته است، می‌توان گونه این سیاست را از نوع عمومی دانست.

نوع هدف، با توجه به اینکه سیاست‌گذار به دنبال لایه‌بندی امور امدادی، حمایتی و بیمه‌ای و تفکیک منابع تأمین مالی آنان است و به نظر می‌رسد که در این زمینه بایستی اصلاحاتی در وضعیت کنونی نظام تأمین اجتماعی شکل گیرد، از نوع اصلاحی خواهد بود.

نوع راهبرد هم به جهت اینکه حاوی مفاهیم اجرایی و قابل ارزیابی میدانی است، از سنخ اجرایی قابل دسته‌بندی است. برای بازنویسی این بند سیاستی، جزیی تحت عبارت "هدف‌مندی تأمین منابع مربوط به امور رفاه و تأمین اجتماعی" به عنوان هدف و بقیه محتوای سیاست با کمی تغییر جزیی به عنوان راهبرد معرفی شده است.

جدول ۵: تحلیل بند پنجم پیش‌نویس سیاست‌های کلی رفاه و تأمین اجتماعی

سیاست شماره ۵:	
<p>لایه‌بندی امور امدادی، حمایتی و بیمه‌ای (سطوح پایه و تکمیلی) و تأمین منابع مربوط به هریک با رویکرد فعال دولت به ترتیب ذیل:</p> <p>امور امدادی از محل پوشش بیمه‌های تجاری، دولت و نهادهای عمومی و مشارکت مردم، امور حمایتی از محل منابع عمومی دولت و مشارکت مردم و خیرین، امور بیمه پایه از محل حق بیمه سهم بیمه‌شدگان، کارفرمایان و منابع دولت، امور بیمه تکمیلی از محل مشارکت بیمه‌شدگان و کارفرمایان با مشوق‌های مالیاتی و پشتیبانی حقوقی دولت.</p>	
هدف	راهبرد
<p>لایه‌بندی امور امدادی، حمایتی و بیمه‌ای (سطوح پایه و تکمیلی) و تأمین منابع مربوط به هریک با رویکرد فعال دولت</p>	<p>امور امدادی از محل پوشش بیمه‌های تجاری، دولت و نهادهای عمومی و مشارکت مردم، امور حمایتی از محل منابع عمومی دولت و مشارکت مردم و خیرین، امور بیمه پایه از محل حق بیمه سهم بیمه‌شدگان، کارفرمایان و منابع دولت، امور بیمه تکمیلی از محل مشارکت بیمه‌شدگان و کارفرمایان با مشوق‌های مالیاتی و پشتیبانی حقوقی دولت.</p>

نوع راهبرد	نوع هدف	گونه‌شناسی سیاست
اجرایی	اصلاحی	سیاست عمومی
<p>سیاست پیشنهادی جایگزین:</p> <p>هدف‌مندی‌سازی تأمین منابع مربوط به امور رفاه و تأمین اجتماعی از طریق لایه‌بندی امور امدادی، حمایتی و بیمه‌ای (سطوح پایه و تکمیلی) به گونه‌ای که امور امدادی از محل پوشش بیمه‌های تجاری، دولت و نهادهای عمومی و مشارکت مردم، امور حمایتی از محل منابع عمومی دولت و مشارکت مردم و خیرین، امور بیمه پایه از محل حق بیمه سهم بیمه‌شدگان، کارفرمایان و منابع دولت و امور بیمه تکمیلی از محل مشارکت بیمه‌شدگان و کارفرمایان با مشوق‌های مالیاتی و پشتیبانی حقوقی دولت تأمین شود.</p>		

در بند ششم، با اتکا به واژه "از طریق" می‌توان محتوای مندرج را در دو بخش هدف و راهبرد دسته‌بندی نمود. بر این اساس، "بسط و تعمیق عدالت اجتماعی و کاهش فاصله طبقاتی در ارائه خدمات رفاه و تأمین اجتماعی به مردم و تأمین نیازهای اولیه و معیشتی آنان" به عنوان هدف و باقیمانده به عنوان راهبرد قابل معرفی است.

با توجه به اینکه مسئله عدالت، کاهش فاصله طبقاتی، تأمین نیازهای اولیه، رفع فقر و رفع تبعیض‌های ناروا مورد توجه قرار گرفته است، بیانگر موضع ارزشی سیاست‌گذار به مسئله رفاه و تأمین اجتماعی است و از این رو می‌توان این بند سیاستی را به عنوان سیاست فراگیر در نظر گرفت. با توجه به اینکه از واژه "بسط و تعمیق" و "کاهش" استفاده شده است، می‌توان استنباط نمود که سیاست‌گذار به دنبال ارتقای عملکرد نظام در تحقق عدالت و کاهش فاصله طبقاتی است و از این رو هدف این سیاست از نوع ارتقایی محسوب می‌شود. به جهت اینکه سیاست‌گذار در بخش راهبردها، صرفاً به ذکر مفاهیم کلی همانند فقر و تبعیض و بهره‌مندی اشاره کرده و تفصیل اجرایی در مورد یک یا چند مورد از این مفاهیم ارائه نداده است، می‌توان نوع راهبرد را مبنایی دانست. به جهت اینکه سیاست مذکور به لحاظ اصول نگارشی از یک سیاست کلی تبعیت نموده است، لذا تغییری در چهارچوب نگارشی این سیاست به‌وجود نخواهد آمد.

جدول ۶: تحلیل بند ششم پیش‌نویس سیاست‌های کلی رفاه و تأمین اجتماعی

سیاست شماره ۶:		
بسط و تعمیق عدالت اجتماعی و کاهش فاصله طبقاتی در ارائه خدمات رفاه و تأمین اجتماعی به مردم و تأمین نیازهای اولیه و معیشتی آنان از طریق رفع فقر و محرومیت، هدفمندسازی یارانه‌ها، توانمندسازی، کارآفرینی و رفع تبعیض‌های ناروا در بهره‌مندی از منابع عمومی.		
هدف	راهبرد	
بسط و تعمیق عدالت اجتماعی و کاهش فاصله طبقاتی در ارائه خدمات رفاه و تأمین اجتماعی به مردم و تأمین نیازهای اولیه و معیشتی آنان	رفع فقر و محرومیت، هدفمندسازی یارانه‌ها، توانمندسازی، کارآفرینی و رفع تبعیض‌های ناروا در بهره‌مندی از منابع عمومی.	
گونه‌شناسی سیاست	نوع هدف	نوع راهبرد
سیاست فراگیر	ارتقایی	مبنایی
سیاست پیشنهادی جایگزین:		
بسط و تعمیق عدالت اجتماعی و کاهش فاصله طبقاتی در ارائه خدمات رفاه و تأمین اجتماعی به مردم و تأمین نیازهای اولیه و معیشتی آنان از طریق رفع فقر و محرومیت، هدفمندسازی یارانه‌ها، توانمندسازی، کارآفرینی و رفع تبعیض‌های ناروا در بهره‌مندی از منابع عمومی.		

براساس محتوای ارائه شده در بند هفتم، می‌توان استنباط نمود که سیاست‌گذار به دنبال این است که ظرفیت‌های مردمی را جهت فقرزدایی و تحقق رفاه اجتماعی فعال کرده و با استقرار یک نظام ملی در حوزه احسان و نیکوکاری، این ظرفیت‌های مردمی را نهادینه‌سازی و تشکیلات محور نماید. بر این اساس می‌توان "بسیج همه‌جانبه مردم و استقرار نظام ملی احسان و نیکوکاری" را به عنوان هدف و "تهیه و تحقق برنامه جامع فقرزدایی و رفاه اجتماعی" را به عنوان راهبرد در نظر گرفت.

بر این اساس، هم محتوای مندرج در بخش هدف و هم مفاد مطرح شده در بخش راهبرد، بیانگر یک جهت‌گیری کلان است، لذا از لحاظ گونه‌شناسانه می‌توان این بند سیاستی را به عنوان سیاست راهنما در نظر گرفت. از آنجایی که ایجاد یک نظام ملی و مردمی در زمینه احسان به صورت تشکیلات محور و نهادینه شده در کشور از سابقه

خاصی برخوردار نیست، نوع هدف بیانگر یک سیاست ایجادى است. نوع راهبرد هم به جهت اینکه بر مسئله تهیه و تحقق "برنامه جامع" تمرکز نموده است، به فضای اجرا نزدیک بوده و لذا راهبرد از نوع اجرایی خواهد بود. جهت بازنویسی این بند سیاستى نیز می‌توان استقرار نظام ملی احسان و نیکوکاری، با تاکید و توجه بر اینکه این نظام مالی بایستى با بسیج همه جانبه مردم و به صورت کاملاً مردمی ایجاد شود را به عنوان هدف و تهیه و تدوین برنامه جامع فقرزدایی و رفاه اجتماعى که ماحصل آن ایجاد تشکیلات مردمی نیکوکاری باشد را به عنوان راهبرد بیان نمود.

جدول ۷: تحلیل بند هفتم پیش‌نویس سیاست‌های کلی رفاه و تأمین اجتماعى

سیاست شماره ۷:		
تهیه و تحقق برنامه جامع فقرزدایی و رفاه اجتماعى با بسیج همه‌جانبه مردم و استقرار نظام ملی احسان و نیکوکاری.		
هدف	راهبرد	
بسیج همه جانبه مردم و استقرار نظام ملی احسان و نیکوکاری.	تهیه و تحقق برنامه جامع فقرزدایی و رفاه اجتماعى	
گونه‌شناسی سیاست	نوع هدف	نوع راهبرد
سیاست راهنما	ایجادى	اجرایی
سیاست پیشنهادى جایگزین:		
استقرار نظام ملی احسان و نیکوکاری با تاکید بر بسیج همه جانبه مردم از طریق تهیه و تدوین برنامه جامع فقرزدایی و رفاه اجتماعى.		

براساس محتوای ارائه شده در بند هشتم، هدف سیاست‌گذار ترویج فرهنگ خیر و تکافل اجتماعى در عموم جامعه است و از این طریق می‌خواهد اقدامات داوطلبانه مردم برای رفع فقر و محرومیت را توسعه دهد. از مفاد مندرج در سیاست به نظر می‌رسد که تمام بخش‌های سیاست صرفاً بیانگر هدف است و راهبردى تصریحى قابل استخراج نیست. به جهت اینکه مسئله خیر و تکافل اجتماعى از یک‌سو و مسئله فرهنگ‌سازی و

توسعه گفتمان اسلامی در بین مردم مورد توجه قرار گرفته است، از لحاظ گونه‌شناسی سیاست کلی به سیاست‌های راهنما نزدیک‌تر است. به جهت بکارگیری واژگانی چون "ترویج" و "تشویق" می‌توان هدف مدنظر سیاست‌گذار را ارتقای وضعیت کنونی و رسیدن به سطح بالاتری از مشارکت داوطلبانه مردم دانست. جزء راهبرد نیز به دلیل اینکه نشانه‌های کمکی برای استخراج راهبرد معرفی نشده است، قابل احصا نبوده و طبیعتاً نمی‌توان در مورد نوع‌شناسی آن سخنی گفت. به منظور بازنویسی این بند سیاستی، "توسعه مشارکت‌های مردمی مبتنی بر رویکرد خیر و تکافل اجتماعی" به عنوان هدف این سیاست و "ترویج گفتمان اسلامی، تشویق موثر مردم به ایفای مسئولیت‌های اخلاقی و اجتماعی نسبت به هموعان" به عنوان راهبرد مدنظر قرار گرفته است.

جدول ۸: تحلیل بند هشتم پیش‌نویس سیاست‌های کلی رفاه و تأمین اجتماعی

سیاست شماره ۸:		
ترویج فرهنگ و گفتمان اسلامی، تشویق موثر مردم به ایفای مسئولیت‌های اخلاقی و اجتماعی نسبت به هموعان با رویکرد خیر و تکافل اجتماعی.		
راهبرد	هدف	
-	ترویج فرهنگ و گفتمان اسلامی، تشویق موثر مردم به ایفای مسئولیت‌های اخلاقی و اجتماعی نسبت به هموعان با رویکرد خیر و تکافل اجتماعی.	
نوع راهبرد	نوع هدف	گونه‌شناسی سیاست
-	ارتقایی	سیاست راهنما
سیاست پیشنهادی جایگزین:		
توسعه مشارکت‌های مردمی مبتنی بر رویکرد خیر و تکافل اجتماعی از طریق ترویج فرهنگ و گفتمان اسلامی، تشویق موثر مردم به ایفای مسئولیت‌های اخلاقی و اجتماعی نسبت به هموعان.		

در بند نهم پیش‌نویس ارائه شده، سیاست‌گذار به دنبال این است که در کنار سیاست‌های دیگری که تا پیش از این در زمینه توسعه رفاه و تأمین اجتماعی داشته، از عمق پیدا کردن آسیب‌های اجتماعی به عنوان عامل اصلی در توسعه محرومیت و عدم

رفاه در برخی از اقشار جامعه جلوگیری نماید و از این رهگذر، از اعمال فشارها و بارهای حمایتی بر نظام تأمین اجتماعی بکاهد.

بر این اساس، بخش هدف در این بند سیاستی ناظر به "پیشگیری از بروز یا گسترش آسیب‌های اجتماعی و حمایت از اقشار و گروه‌های هدف" در نظر گرفته شده و باقیمانده سیاست به عنوان راهبرد لحاظ شده است. نوع سیاست به جهت اینکه بر مسئله پیشگیری از بروز آسیب متمرکز شده و به دنبال ایجاد یک جهت‌گیری کلان در زمینه متناسب‌سازی خدمات با نیاز اقشار هدف است، از نوع سیاست راهنماست که خطوط کلانی را برای تدوین اقدامات اجرایی مجریان سیاست فراهم می‌سازد. به جهت اینکه اقشار و گروه‌های هدف در بخش هدف مورد توجه قرار گرفته‌اند، سیاست از نوع حمایتی و راهبرد مندرج نیز از نوع مبنایی خواهد بود. جهت بازنویسی این بند سیاستی، متناسب‌سازی خدمات امدادی، حمایتی و بیمه‌ای با نیازها و آسیب‌های اقشار و گروه‌های هدف به عنوان راهبرد و در راستای رسیدن به هدف پیشگیری از بروز یا گسترش آسیب‌های اجتماعی در این اقشار معرفی شده است.

جدول ۹: تحلیل بند نهم پیش‌نویس سیاست‌های کلی رفاه و تأمین اجتماعی

سیاست شماره ۹:		
پیشگیری از بروز یا گسترش آسیب‌های اجتماعی و حمایت از اقشار و گروه‌های هدف با پایش مستمر آسیب‌های اجتماعی و نیازسنجی به منظور ارائه خدمات امدادی، حمایتی و بیمه‌ای به مردم.		
هدف	راهبرد	
پیشگیری از بروز یا گسترش آسیب‌های اجتماعی و حمایت از اقشار و گروه‌های هدف	پایش مستمر آسیب‌های اجتماعی و نیازسنجی به منظور ارائه خدمات امدادی، حمایتی و بیمه‌ای به مردم.	
گونه‌شناسی سیاست	نوع هدف	نوع راهبرد
سیاست راهنما	حمایتی	مبنایی
سیاست پیشنهادی جایگزین:		
پیشگیری از بروز یا گسترش آسیب‌های اجتماعی در اقشار و گروه‌های هدف از طریق متناسب‌سازی خدمات امدادی، حمایتی و بیمه‌ای با نیازها و آسیب‌ها.		

در بند دهم از پیش‌نویس سیاست‌های رفاه و تأمین اجتماعی، سیاست‌گذار به دنبال این است که نظام تأمین اجتماعی به گونه‌ای ساماندهی شود که بتواند در زمینه پویایی سرمایه انسانی، توانمندسازی مردم، تحقق اقتصاد عدالت‌بنیان و جوان‌سازی ترکیب جمعیت، نقش‌آفرینی اثربخش و تسهیل‌گری را داشته باشد.

به عبارت دیگر، سیاست‌گذار معتقد است که جامعه بایستی به سمتی حرکت کند که میزان جمعیت نیازمند دریافت خدمات اجتماعی کاهش یابد و نظام تأمین اجتماعی در زمینه تحقق این شرایط، نقش جدی ایفا می‌کند.

بر این اساس، سیاست حاضر به جهت اینکه برخی ارزش‌های اساسی همانند پویایی منابع انسانی یا جوان‌سازی جمعیت را مورد توجه قرار داده، در دسته سیاست‌های فراگیر جای گرفته و به جهت اینکه به دنبال تحقق این دست از اهداف در جامعه است، هدفی ایجاد را دنبال می‌نماید.

نوع راهبرد نیز به جهت عدم استخراج راهبرد تصریحی از محتوای ارائه شده، قابل تعیین نیست. برای بازنویسی این سیاست، هوشمند نمودن نظام رفاه و تأمین اجتماعی - به این معنا که نظام تأمین اجتماعی زمینه‌ساز ایجاد شرایط مطلوب اقتصادی و اجتماعی در کشور شود و بسترهای لازم برای به حداقل رساندن جمعیت نیازمند به دریافت خدمات را کاهش دهد- به عنوان راهبرد و کمکی که این نظام می‌تواند به پویا شدن سرمایه انسانی، توانمند نمودن مردم، پیاده‌سازی اقتصاد عدالت‌بنیان و جوان‌سازی ترکیب جمعیتی کشور می‌نماید را به عنوان هدف معرفی نمود.

در واقع این بند سیاستی، بیشتر به دنبال نسبت‌یابی نظام تأمین اجتماعی با وضعیت متغیرهای کلان کشور و تعیین پیامدهای مطلوب از پیاده‌سازی یک نظام تأمین اجتماعی بهینه و کارآمد است.

جدول ۱۰: تحلیل بند دهم پیش‌نویس سیاست‌های کلی رفاه و تأمین اجتماعی

سیاست شماره ۱۰:		
پویایی سرمایه انسانی و توانمندسازی مردم و تحقق اقتصاد عدالت بنیان با تأکید بر جوان‌سازی ترکیب جمعیت.		
هدف	راهبرد	
پویایی سرمایه انسانی و توانمندسازی مردم و تحقق اقتصاد عدالت بنیان با تأکید بر جوان‌سازی ترکیب جمعیت.	-	
گونه‌شناسی سیاست	نوع هدف	نوع راهبرد
سیاست فراگیر	ایجاد	-
سیاست پیشنهادی جایگزین:		
کمک به پویایی سرمایه انسانی، توانمندسازی مردم، تحقق اقتصاد عدالت بنیان و جوان‌سازی ترکیب جمعیت از طریق هوشمندسازی نظام رفاه و تأمین اجتماعی.		

با توجه به تحلیل صورت گرفته از وضعیت گونه‌ها، اهداف و راهبردهای بسته سیاستی رفاه و تأمین اجتماعی، می‌توان این بسته سیاستی را از لحاظ جهت‌گیری‌های کلان مورد بررسی قرارداد. در جدول زیر، نمایی کلان از وضعیت پیش‌نویس سیاست‌های کلی رفاه و تأمین اجتماعی ارائه شده است.

جدول ۱۱: نمای کلان از تحلیل گونه‌شناسی، نظام اهداف و نظام راهبردهای پیش‌نویس سیاست‌های کلی رفاه و تأمین اجتماعی

شماره بندهای سیاستی										ابعاد تحلیل سیاست		
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰			
*				*						فراگیر	گونه‌شناسی	
	*	*	*					*	*	راهنا		
			*	*						عمومی		
*			*						*	*	ایجاد	اهداف
		*	*								ارتقا	
	*							*			حمایت	
				*	*						اصلاح	

شماره بندهای سیاستی										ابعاد تحلیل سیاست	
۱	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱		
	*			*				*		مبنایی	راهبرد
			*		*	*				اجرایی	
*		*					*		*	عدم وجود	

به منظور تحلیل دقیق‌تر این بسته سیاستی، در جدول زیر به صورت درصدی، وزن هر یک از گونه‌ها، اهداف و راهبردها ارائه شده است. در جدول زیر، وضعیت توزیع گونه‌های مختلف سیاستی ارائه شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، غلبه سیاستی در حوزه گونه‌شناسی با سیاست‌های راهنماست. بر این اساس، بسته پیش‌نویس سیاست‌های کلی رفاه و تأمین اجتماعی از نوع بسته‌های سیاستی الگومدار است. در واقع این بسته سیاستی تلاش دارد تا الگویی جهت‌دهنده برای دستیابی به اهداف و ارزش‌های مطلوب ترسیم نماید و بیش از اینکه بر مقوله ارزش‌های بنیادین با سازوکارهای اجرایی تاکید داشته باشد، بر ارائه خطوط راهنمای کلان برای ترسیم سیاست‌های اجرایی و برنامه‌های عملیاتی متمرکز شده است.

جدول ۱۲: تحلیل گونه‌شناسی پیش‌نویس سیاست‌های کلی رفاه و تأمین اجتماعی

سیاست عمومی	سیاست راهنما	سیاست فراگیر	
۲	۶	۲	تعداد
۲۰٪	۶۰٪	۲۰٪	درصد

با توجه به وضعیت توزیع اهداف در پیش‌نویس حاضر می‌توان استنباط نمود که سیاست‌های ارائه شده در حوزه اهداف حمایتی، اصلاحی و ارتقایی دارای تناسب و توازن است، اما سهم اهداف ایجاددی به میزان قابل توجهی بیشتر از سایر اهداف است. بر این اساس، می‌توان پیش‌نویس حاضر را بیشتر به عنوان یک بسته سیاستی تحول‌مدار دانست؛ به گونه‌ای که سیاست‌گذار در حوزه رفاه و تأمین اجتماعی بیش از هر چیز، به

دنبال ایجاد یک تحول بنیادین و جدی در این حوزه است و می‌کوشد تا به وسیله این سیاست‌ها، تصویرپردازی روشنی از وضعیت مطلوب یک نظام رفاه و تأمین اجتماعی را ترسیم نماید.

جدول ۱۳: تحلیل نظام اهداف پیش‌نویس سیاست‌های کلی رفاه و تأمین اجتماعی

اهداف ارتقایی	اهداف اصلاحی	اهداف حمایتی	اهداف ایجادي	
۲	۲	۲	۴	تعداد
۲۰٪	۲۰٪	۲۰٪	۴۰٪	درصد

در جدول زیر، وضعیت توزیع راهبردهای مندرج در این بسته سیاستی ارائه شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، ۴۰٪ از بندهای سیاستی، فاقد راهبرد تصریحی و قابل استخراج است که این امر ضرورت بازنویسی سیاست‌های پیشنهادی را گوشزد می‌کند. براساس وضعیت توزیع راهبردها، می‌توان پیش‌نویس سیاست‌های رفاه و تأمین اجتماعی را بیشتر به عنوان یک بسته سیاستی هدف‌گرا معرفی نمود. این امر بدان معناست که این بسته سیاستی، عمده تلاش خود را بر ارائه نقاط مطلوب و ترسیم ایده‌آل‌ها متمرکز کرده و در زمینه طریقه رسیدن به اهداف، به حداقل‌ها اکتفا نموده است و پیداکردن مسیرهای تحقق اهداف را بر دوش مجری سیاست قرار داده است. در زمینه وضعیت راهبردهای مبنایی و اجرایی نیز در این بسته سیاستی، یک توازن دیده می‌شود و این بدان معناست که نگارندگان سیاست، علاوه بر اینکه تلاش نمودند تا سازوکارهای اجرایی رسیدن به اهداف را در برخی سیاست‌ها تشریح نمایند، اما در برخی دیگر از سیاست‌ها راه اجمال و کلیت را در پیش گرفته و صرفاً به ذکر مسیرهای کلان دستیابی به اهداف اکتفا نموده‌اند.

به نظر می‌رسد که هرچه وزن راهبردهای اجرایی در یک بسته سیاستی بیشتر باشد، می‌توان با اطمینان بیشتری از قابلیت پیاده‌سازی و نظارت‌مندی این بسته سیاستی سخن

گفت، از این رو لازم است تا راهبردهای شفاف و قابل استخراجی در متن بندهای سیاستی بدون راهبرد، درج شود.

جدول ۱۴: تحلیل نظام راهبردهای پیش‌نویس سیاست‌های کلی رفاه و تأمین اجتماعی

راهبرد مبنایی	راهبرد اجرایی	بدون راهبرد	
۳	۳	۴	تعداد
۳۰٪	۳۰٪	۴۰٪	درصد

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

سیاست‌های کلی نظام به جهت نقش راهبردی که در تفسیر و تحلیل آرمان‌های جمهوری اسلامی دارد، نقشی کلیدی و قابل توجه درخور و جدی است. این امر موید این نکته است که به هر میزان که بتوان قوت محتوایی و انسجام ساختاری سیاست‌های کلی را تقویت نمود، تدوین سیاست‌های اجرایی کارآمد و برنامه‌های دقیق، امکان‌پذیرتر خواهد بود. بر این اساس و به اتکای تعاریف ارائه شده از سیاست‌های کلی می‌توان الگوی ساختاری-محتوایی حاوی دو جزء کلیدی هدف و راهبرد را به عنوان ارکان اصلی یک سیاست کلی کارا معرفی نمود و در صورتی که محتوای نگارش شده در هدف و راهبرد دربرگیرنده مفاهیم قابل ادارک برای بهره‌برداران سیاست و بدنه اجرایی و کارشناسی کشور باشد، قابلیت پیاده‌سازی و رصد اجرایی سیاست‌های کلی نیز توسعه خواهد یافت. بر این اساس و با توجه به الگوی معرفی شده در تحلیل و بازنویسی سیاست‌های کلی، مشخص شد که برخی از بندهای پیش‌نویس سیاست‌های کلی رفاه و تأمین اجتماعی نیازمند بازنویسی جدی بوده و لازم است تا نگارندگان سیاست، به منظور افزایش کارایی این بسته سیاستی، اصلاحاتی را اعمال نمایند. براساس مطالب ارائه شده و تحلیل صورت گرفته می‌توان پیش‌نویس سیاست‌های کلی رفاه و تأمین اجتماعی را مطابق با الگوی هدف-راهبرد بازنویسی کرده و در نهایت به صورت زیر پیشنهاد نمود:

۱. ایجاد رفاه عمومی و برطرف ساختن فقر و محرومیت از طریق استقرار نظام جامع تأمین اجتماعی با ویژگی‌های یکپارچگی، شفافیت، کارآمدی، استقلال، فراگیری و چندلایه‌گی.

۲. ایجاد یک سازوکار مستقل، تخصصی و فرابخشی به منظور حفظ انتظام و انسجام امور، لایه‌بندی و سطح‌بندی خدمات، ایجاد وحدت‌رویه، اعمال نظارت راهبردی و عالی‌ه در مراحل تکوین و فعالیت سازمان‌ها، صندوق‌ها و نهادهای فعال در قلمروهای امدادی، حمایتی و بیمه‌ای و شکل‌دهی سامانه، پایگاه اطلاعات، شناسنامه الکترونیک و پنجره واحد خدمات رفاه و تأمین اجتماعی از طریق ایجاد یک سازوکار مستقل، تخصصی و فرابخشی.

۳. پایبندی به حقوق و رعایت تعهدات بین نسلی با تأکید بر امانت‌داری، امنیت، سودآوری، شفافیت و پاسخگویی از طریق عدم تحمیل طرح‌های فاقد تضمین مالی بین نسلی و تعهدی، تأمین منابع پایدار، رعایت محاسبات بیمه‌ای و تعادل بین منابع و مصارف و حفظ و ارتقای ارزش ذخایر سازمان‌ها و صندوق‌های بیمه‌گر اجتماعی به عنوان اموال عمومی و مردم.

۴. تأمین عدالت، یکسان‌سازی قوانین و مقررات بیمه‌ای، جلوگیری از ایجاد و افزایش انباشت بدهی‌های دولت به سازمان‌ها و صندوق‌های بیمه‌گر اجتماعی و تفکیک منابع سلامت از بازنشستگی از طریق اصلاح قوانین، ساختارها و تشکیلات صندوق‌ها و بیمه‌های اجتماعی.

۵. هدفمندسازی تأمین منابع مربوط به امور رفاه و تأمین اجتماعی از طریق لایه‌بندی امور امدادی، حمایتی و بیمه‌ای (سطوح پایه و تکمیلی) به گونه‌ای که امور امدادی از محل پوشش بیمه‌های تجاری، دولت و نهادهای عمومی و مشارکت مردم، امور حمایتی از محل منابع عمومی دولت و مشارکت مردم و خیرین، امور بیمه پایه از محل حق بیمه

سهم بیمه شدگان، کارفرمایان و منابع دولت و امور بیمه تکمیلی از محل مشارکت بیمه‌شدگان و کارفرمایان با مشوق‌های مالیاتی و پشتیبانی حقوقی دولت تأمین شود.

۶. بسط و تعمیق عدالت اجتماعی و کاهش فاصله طبقاتی در ارائه خدمات رفاه و تأمین اجتماعی به مردم و تأمین نیازهای اولیه و معیشتی آنان از طریق رفع فقر و محرومیت، هدفمندسازی یارانه‌ها، توانمندسازی، کارآفرینی و رفع تبعیض‌های ناروا در بهره‌مندی از منابع عمومی.

۷. استقرار نظام ملی احسان و نیکوکاری با تأکید بر بسیج همه‌جانبه مردم از طریق تهیه و تدوین برنامه جامع فقرزدایی و رفاه اجتماعی.

۸. توسعه مشارکت‌های مردمی مبتنی بر رویکرد خیر و تکافل اجتماعی از طریق ترویج فرهنگ و گفتمان اسلامی، تشویق موثر مردم به ایفای مسئولیت‌های اخلاقی و اجتماعی نسبت به هم‌نوعان.

۹. پیشگیری از بروز یا گسترش آسیب‌های اجتماعی در اقشار و گروه‌های هدف از طریق متناسب‌سازی خدمات امدادی، حمایتی و بیمه‌ای با نیازها و آسیب‌ها.

۱۰. کمک به پویایی سرمایه انسانی، توانمندسازی مردم، تحقق اقتصاد عدالت‌بنیان و جوان‌سازی ترکیب جمعیت از طریق هوشمندسازی نظام رفاه و تأمین اجتماعی.

منابع

۱. رضائی، علی (۱۳۹۵)، سیاست‌های کلی ابلاغی مقام معظم رهبری (حفظه...)، تا پایان سال ۱۳۹۵، انتشارات دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام، تهران.
۲. خانمحمدی، هادی و اصلی‌پور، حسین (۱۳۹۶)، طراحی شبکه مضمون‌های سیاست‌های کلی نظام خانواده مبتنی بر شیوه الگوسازی ساختاری تفسیری، فصلنامه زنان و خانواده، سال ۱۲، شماره ۳۹، صص ۱۴۰-۱۰۷.

۳. جولایی، حسن و زارعی، نوشین و کشتکار، وحید (۱۳۹۷)، مروری بر مفاهیم سیاست‌های کلی سلامت ابلاغی مقام معظم رهبری، نشریه فرهنگستان علوم پزشکی، سال ۲، شماره ۱، صص ۴۸-۲۸.
۴. بابایی، سحر و توکلی، غلامرضا (۱۳۹۶)، احصا عقلانیت‌های پایه در فرایند سیاست‌گذاری عمومی، فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۳، شماره ۱، صص ۸۲-۶۳.
۵. یزدانی زازرانی، محمدرضا (۱۳۹۶)، شناخت فرایند سیاست‌گذاری عمومی؛ نگاهی کلی به مفاهیم، نظریه‌ها و مدل‌ها، فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۴، شماره ۴، صص ۲۰۱-۱۸۹.
۶. گرجی‌پور، اسماعیل (۱۳۹۵)، اسناد سیاستی نظام تأمین اجتماعی چندلایه کشور، انتشارات موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، تهران.
۷. امیری، مجتبی و محمودی، وحید و راغفر، حسین و پروندی، یحیی (۱۳۹۵)، بررسی نظری - تطبیقی نظام‌های تأمین اجتماعی: مسیریابی توسعه نظام سه‌لایه تأمین اجتماعی ایران، فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۲، شماره ۴، صص ۲۸-۹.
۸. خالقی‌پرست، حسین و راسخی، محمد و نعیمی، عمران (۱۳۹۶)، تحلیل حقوقی تأمین اجتماعی ایران در پرتو اصول و الگوهای نظام تأمین اجتماعی مطلوب، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ۱۷، شماره ۶۴، صص ۳۷-۹.